

و بررسی داستان حوزه هنری

جلسات نقد و بررسی داستان از فعالترین شیوه های نقد حضوری در قلمرو حیات ادبیات داستانی کشور به شمار می آید. با پیروزی انقلاب اسلامی و با ظهور و بروز نویسندگان و داستان نویسان جوان و متعهد این نشستها گسترشی چشمگیر پیدا کرد و مجلات و مراکز فرهنگی و ادبی گوناگون هر کدام به گونه ای در این کار سهیم شدند. از قدیمی ترین این نشستها، جلسات نقد و بررسی در مسجد «جوادالائمه» به نشانی سی متری حاجیان تهران است و بعد از آن حوزه هنری.

جلسات قصه مسجد جوادالائمه از سال ۱۳۵۷ و در واقع چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با توش و توان افرادی چون امیرحسین فردی تشکیل شد. این جلسات شکل گیری خود را با قصه گوئی امیرحسین فردی و بعدها با قصه خوانی بهزاد بهزاد پور و بهره گیری از امکانات نمایشی آغاز و سپس به کلاس قصه نویسی فعالی تبدیل شد. شهید حبیب غنی پور، شهید حسن جعفر بیگلو، محمد رضا کاتب، مهرداد غفارزاده، مصطفی خرامان، علیرضا متولی، احمد غلامی، محمد ناصری، ناصر نادری و بعدها خسرو باباخانی، شهرام شفیعی، بیژن قفقازی زاده و ... از جمله نویسندگانی بودند که با سنین متفاوت در این جلسات حضور پیدا می کردند. زمانی نگذشت که حضور نویسندگان چون محسن مخملباف، قاسمعلی فراس، فرج الله سلحشور، نقی سلیمانی، فریدون عموزاده خلیلی این جمع را متشکل تر و پربارتر کرد. شکل و اندیشه این جلسات در سال ۱۳۵۹ به حوزه اندیشه و هنر اسلامی راه یافت. امیر حسین فردی، محسن مخملباف، فرج الله سلحشور، از اعضای ثابت این جلسات بودند. کم کم نقی سلیمانی، رضار هگدر، محسن سلیمانی، فریدون عموزاده خلیلی، طاهره ابید، مهرداد غفارزاده، حسن احمدی، اکبر خلیلی، سید مهدی شجاعی، مهدی حجوانی، منیژه آرمین، راضیه تجار، داوود غفارزادگان، افسانه گیویان، فیروز زونوزی جلالی، مصطفی شکیباخو، مصطفی جمشیدی، جواد جزینی، زهرا زواریان، محمدرضا محمدی پاشاک، علی اکبر عسکری، حمیدرضا شاه آبادی، مهناز بهمن، حمید قاسم زادگان جهرمی، منصوره نیکوگفتار، محمدرضا اصلانی، رضا شیرازی، محمدعلی علومی، قاضی ربیع حاوی، محسن عباسی، منوچهر جراح زاده، ... در دوره های گوناگون و سالهای متفاوت به این جمع پیوستند و با تلاش و تکاپوی خود جلسه به جلسه بر بار آموزشی و بهره گیری فراوان هنرجویان و شرکت کنندگان افزودند. امیرحسین فردی، فریدون عموزاده خلیلی و راضیه تجار (و مدت کوتاهی محمد بکایی، جواد گنجه انزلی و کاوه بهمن) مسؤولیت گرداندگی این جلسات را در دوره های گوناگون به عهده داشتند. جز آقای بکایی و بهمن که زمانی کوتاه عهده دار تشکیل این جلسات بودند، بقیه مدتی طولانی در اجیای اندیشه نقد حضوری

داستان سهم به سزایی از خود برجای گذاشتند. این جلسات در آغاز راه آمیزه ای از نقد داستان کودکان و نوجوانان و بزرگسالان بود که بعدها بخش ادبیات کودکان و نوجوانان از این جلسات جدا شد. پس از چندی جلسات نقد و بررسی داستانهای کودکان و نوجوانان در محدوده کار گردانندگان گاهنامه «قلمرو» قرار گرفت و بعد از تعطیلی آن «دفتر قصه کودک و نوجوان» واحد ادبیات حوزه هنری به سرپرستی داوود غفارزادگان و محمدرضا بایرامی، عهده دار بخش نقد داستان کودکان و نوجوانان شد.

جلسات نقد و بررسی قصه حوزه هنری که خردادماه امسال پانزدهمین سال برگزاری خود را پشت سر می گذراند حتی در ایام بمباران و موشکباران تهران نیز تشکیل می شد. افزون بر قصه خوانی و نقد و بررسی آن، هر چند یک بار از نویسندگان، منتقدان و داستان نویسان کشور دعوت می شد تا به طور موردی در جلسه شرکت کنند. از این میان می توان افراد زیر را نام برد:

۱. شمس آل احمد/ پرسش و پاسخ
۲. سید مهدی شجاعی/ پرسش و پاسخ
۳. رضار هگدر/ درباره افسانه
۴. حسن عابدینی/ پرسش و پاسخ درباره داستان نویسی در ایران
۵. عبدالعلی دست غیب/ پرسش و پاسخ
۶. راضیه تجار/ نقد مجموعه داستان «نرگسها»
۷. علی اصغر شیرزادی/ نقد رمان «طل و آتش»
۸. علی مؤذنی/ نقد مجموعه داستان «دلایز تر از سبز»
۹. فیروز زونوزی جلالی/ نقد و بررسی مجموعه داستان «کشفهای قهوه ای»
۱۰. محمدرضا بایرامی/ نقد و بررسی کتاب «کوه مرا صدا می زند»
۱۱. حسین فتاحی/ پرسش و پاسخ
۱۲. دکتر یعقوب آژند/ داستان نویسی در ایران از آغاز تا سال ۱۳۵۷
۱۳. ابراهیم حسن بیگی/ نقد و بررسی «ریشه در اعماق»
۱۴. امید مسعودی/ پرسش و پاسخ

در این جلسات پس از معرفی کوتاه نویسنده مهمان، شرکت کنندگان به طرح پرسشهای خود از نویسنده و ارائه نظراتشان درباره مسأله مورد بحث می پرداختند. در پایان با طرح چند پرسش پای صحبتهای خانم تجار مدیر کنونی این جلسات و چند نفر از اعضای این جلسات می نشینیم:

روز تعیین شده به آنجا رفتم و داستانم را خواندم که نقد شد و خوشبختانه تعریفها بسیار بود. با روحیه خیلی بالایی از آن جلسه بیرون آمدم. و بعد در مصاحبه حضوری که آقایان رضار هگدر و عموزاده خلیلی بودند شرکت کردم و کتاب و شفاها به سؤالات پاسخ دادم. از همدوره ایهای آن زمان می توانم از سمیرا اصلانپور نام ببرم. مدتی هم در کلاسهای حضوری شرکت کردیم که آقایان رهگذر - حسن حسینی - استاد روانشناس گلزاری - حجوانی و ... در آن تدریس می کردند.

برمی خوردم. داستان «هفت بند»م را ارسال کردم که در پی آن نامه تشویق آمیزی از واحد ادبیات حوزه هنری به دستم رسید همراه با یادآوری اینکه یک روز به حوزه بیایید تا از نزدیک با شما آشنا شویم. من هم به حوزه هنری رفتم. برخلاف حالا که درها گشوده است، نگهبان مرا در اتاق اطلاعات نگه داشت و آقای عموزاده خلیلی آمد و در همان اتاقک با من نیمچه مصاحبه ای کرد و بعد هم خواست که به جلسات نقد و بررسی عمومی قصه که روز سه شنبه ای برگزار می شد، بروم.

راضیه تجار (مسئول جلسات قصه نویسی حوزه هنری)

● با جلسات نقد و بررسی داستان حوزه هنری چگونه آشنا شدید؟
 □ سال ۶۴ در یکی از روزنامه ها چشمم به آگهی تشکیل جلسات نقد و بررسی قصه و درخواستی برای ارسال یک داستان افتاد. ابتدا باورم نمی شد زیرا اولین بار بود که به این مقوله

تا آنجا که به خاطر م است با مسائل تئوری و نظری در همین کلاسها آشنا شدم. سه شنبه ها در جلسات نقد و بررسی قصه که تنی چند آن را اداره می کردند شرکت می کردم و گرچه مسؤولیت مستقیم آن بیشتر با آقای عموزاده خلیلی بود ولی احساس می کردم آقای رهگذر از این جلسات آن طور که باید راضی نیستند، نه بخاطر افراد شرکت کننده بلکه بخاطر اعضای دیگری که در گرداندن جلسات با ایشان همراه بودند. به هر حال مدتی بعد این اختلافات برای ما شرکت کنندگان آشکار شد و با ناپاوری شکافی را در سر هرم مشاهده کردیم. احساس می کردم که حق با آقای رهگذر و دوستداران ایشان است. بعد از جدایی عده ای از یاران سابق هم بار دیگر جلسات نقد و بررسی (این بار با ریاست آقای رهگذر) برپا گردید.

شاید نقل خاطره ای برایتان جالب باشد؛ آیام بمباران و موشک اندازی تهران و با شدت گرفتن جنگ من نیز با خانواده ام به یکی از شهرهای شمال (بندر انزلی) رفتم. اما سه شنبه که رسید به اصرار از همسرم خواستم که مرا به تهران بیاورد و در شرایطی جلسه نقد و بررسی قصه را راه انداختیم که تهران بسیار خلوت بود. آقای رهگذر برای این جلسات زحمت زیادی کشیدند و وجودشان مغتنم بود. ایشان بعدها به دلیل کثرت کار و دلایلی که بر ایمان زیاد روشن نبود خود را از سرپرستی این جلسات کنار کشیدند و با همه تلاشها نتوانستیم ایشان را در آن سمت نگاه داریم. باتوجه به اینکه قبلاً هم انشعابی در جلسه نقد و بررسی قصه به وجود آمده بود، مسؤولیت جلسات را تنها به خاطر آنکه نگذارم این چراغ خاموش شود، به عهده گرفتم. این پذیرش در حالی بود که بخاطر داشتن فرزند کوچک و مسؤولیت های دیگر، همسرم هم موافق پذیرش این مسؤولیت تازه نبود و مدتها طول کشید تا ایشان هم یقین بیاورند که در این راه، تنها عشق باعث خریدن همه بلاها و مصایب به جان می شود.

به هر حال به دلایلی مدت یکسال و نیم هم خود را از جلسات نقد و بررسی قصه کنار کشیدم و در «پیک قصه» به ارائه نقد و نظر خود به طور کتبی درباره داستانهای علاقه مندان پرداختم. آنگاه به دعوت و اصرار مجدد مسؤول واحد ادبیات برگشتم و مسؤولیت کلاس را در حالی به دوش گرفتم که هشت نفر عضو داشت و امروز بعد از گذشت یکسال و نیم سی نفر عضو ثابت دارد و شاید به این دلیل که عقیده دارم حرمت این کلاسها را باید نگه داشت، با نظمی یگانه در این جلسات شرکت می کنم و برای آنها ارزش قائل می شوم.

• نقاط ضعف و قوت این جلسات چیست؟

□ کسانی که در این کلاس شرکت می کنند در

صورت داشتن استعداد بعد از مدتی در زمینه داستان و بیشتر نقد آن پرورش می یابند. گویی که با شرکت در هر نشست لایه ای از غبار ذهنها پاک می شود و طلای درون بیشتر می درخشد.

• پیشنهاد شما برای بهتر شدن وضع کمی و کیفی این جلسات چیست؟

□ اینکه نویسندگان صاحب نام زکات علمشان را بپردازند. بیهوده خود را کنار نکشند و هر از گاه در این نشستها شرکت کرده، چراغ راهنمایی را فرا راه نویسندگان نوپا بگیرند. جوانها هم وقت بیشتری به مطالعه و نوشتن اختصاص دهند و در زمینه نقد و نظر افراد صاحب نام بیابند و اطلاعات خود را در اختیار علاقه مندان قرار دهند. البته گاهی اوقات چنین دعوتهایی به عمل آمده است و انشاء الله لطف بقیه دوستان هم شامل حال جلسه نقد و بررسی قصه حوزه هنری خواهد شد.

این جلسه ها کشیده نشده باشد. یک ویژگی دیگر این «نظام خاص» این بوده و هست که سطح معلومات شرکت کنندگان متفاوت است. ما گاهی خیال می کنیم وجود چنین حالتی به کار لطمه می زند در حالی که به نظر من وقتی داستانی خوانده می شود، به دلیل همین تفاوت بینش آدمها، داستان از زوایای مختلفی بررسی می شود. با سوادترها اغلب برهانهای تکنیکی اقامه می کنند و جوانترها آن را فطری و حسی ارزیابی می کنند و این تفاوتها خالی از لطف نیست. حسن دیگر این جلسات این است که داستان نویس را به «نوشتن» ترغیب می کند. وقتی همه داستان خوانده باشند و تو نخوانده باشی احساس می کنی که دینی برگردن داری، چیزی شبیه مهمانی رفتن و مهمانی ندادن!

• سمیرا اصلانپور (قصه نویس و منتقد)

• مهدی حجوانی (منتقد)

من خاطره خاصی از جلسات سالهای اخیر ندارم اما می توانم بگویم که این جلسات غیراداری ترین حرکت و احد ادبیات حوزه بوده است؛ حرکتی دور از مشکلات و تغییر و تحولات این واحد که مثل رود جریان داشته، راه خود را رفته است. گیریم که گاهی تند و گاهی کند، گاهی لاغر و گاهی فربه. جلسات نقد داستان، همچنین در شمار کم هزینه ترین برتانه ها بوده است و دلیلش به نظام طلبگی جلسه ها برمی گردد. در نظام دانشگاهی استاد یک طرف می ایستد و دانشجو در طرف دیگر.

استاد درس می دهد و معمولاً چیزی بر معلوماتش اضافه نمی شود. آنچه می گیرد حق الزحمه است. دوره درسی اش هم کوتاه است (مثلاً یک ترم)، اما در نظام طلبگی یک عده از سر نیاز دور هم جمع می شوند و این نیاز متقابل به یادگیری باعث می شود که همه داستان بخوانند و همه نقد کنند و همه حس کنند که چیزی یاد گرفته اند و یاد داده اند و شهریه و پول هم مطرح نبوده است. جلسه مسؤولی دارد و او در پایان، جمع بندی می کند اما دیگران هم حق دارند که درباره جمع بندی او نظر بدهند. البته به دلیل تجربه و توان بیشتری که می توان در مسؤولین جلسه ها سراغ گرفت، معمولاً به جمع بندی آنها احترام گذاشته می شود. من رمز پایداری این جلسات را از ابتدای تشکیل حوزه تا به امروز همین «نظام خاص» می دانم و همین نیاز متقابل اعضای جلسه و همین صمیمیت و حضور مشترك. کمتر دوستی را سراغ دارم که پایش به

• با این جلسات از چه زمانی و چگونه آشنا شدید؟

□ از سال ۱۳۶۵ با این جلسات آشنا شدم و از آن پس تاکنون - جز یک دوره دوساله از سالهای ۷۰ تا ۷۲ - تقریباً همیشه در این جلسات شرکت کرده ام و گمان می کنم اواخر اوکین دوره کلاس قصه نویسی (که به سال ۱۳۶۵ در حوزه هنری تشکیل شد و من هم هتروجوی آن بودم) بود که به من گفتند می توانم در جلسات قصه که در واحد ادبیات تشکیل می شود، شرکت کنم و اوکین جلسه ای که شرکت کردم پنجم اسفند ۶۵ بود.

• نقد و بررسی داستانها و مباحث مورد گفتگو در این جلسات تا چه اندازه ای برای شما راهگشا و مفید بوده است؟

□ شرکت در این جلسات در آن سالهای اوکيه واقعاً برای من دوست داشتنی و پربار بود و به دلیل حضور نویسندگان پرکار و علاقه مند، جلسات بسیار پر جنب و جوشی تشکیل می شد و بحثهای بسیاری در می گرفت. در حقیقت یکی از قوی ترین محرکهای من در داستان نویسی، همین جلسات بود. از مهمترین دلایل پویایی جلسات، حضور نویسندگان باتجربه در کنار هنرجویان تازه کاری مثل من بود. صحبتهایی که آن دوستان درباره داستانهای خوانده شده می کردند، همیشه برای من شنیدنی بود. چه زمانی که قرار بود خودم داستان بخوانم و چه زمانی که دیگران داستان می خواندند، با علاقه تمام در انتظار شروع جلسه بودم. □